

زندگی هدیه‌های آسمان





خانواده‌ی آقای مرادی در تعطیلات تابستان به روستای خود آمده‌اند. روستا در دشتی زیبا و خوش آب و هوا قرار دارد. همه چیز در روستا برای آن‌ها جالب و تماشایی است؛ باغ‌های پر از میوه، حوض‌های پر از ماهی، مناظر زیبای طبیعت و... در اینجا با اقوام و دوستان خود دیدار می‌کنند و به آن‌ها خیلی خوش می‌گذرد.

سینا پسر آقای مرادی، هر صبح و عصر با دوستان خود به باغ پدربزرگ می‌رود. آن‌ها با هم بازی می‌کنند، می‌دوند و از درختان، میوه می‌چینند.

سپس میوه‌ها را در آب چشمه می‌شویند و با لَدّت می‌خورند. گاهی هم او با خواهرش سعیده به گاو پدربزرگ علف می‌دهند و شیرش را هنگام صبحانه می‌نوشند.

یک روز صبح پدر به بچه‌ها گفت: «بچه‌ها! فردا قرار است به شهر خود بازگردیم.»

سینا خیلی ناراحت شد و به پدرش گفت: «دوست دارم خانه‌ی ما در روستا باشد و برای همیشه در اینجا بمانیم.»

پدر گفت: «دوباره به اینجا می‌آییم.»

سینا خیلی خوش‌حال شد و گفت: «دوست دارم هر وقت به اینجا می‌آیم، طبیعت این‌قدر سرسبز و زیبا باشد.»

ای کاش، همیشه بهار بود!



پدر خندید و گفت: «فصل بهار و سرسبزی باغ که برای همیشه نمی ماند. تنها یک باغ است که همیشه سرسبز و خرم می ماند. باغی که جویبارهای زلال، از زیر درختانش جاری است. درختانش همیشه شکوفه و میوه می دهد و انواع میوه ها در آن وجود دارد.»

در کنار باغ های پر از میوه اش قصرهای باشکوهی نیز بنا شده است.»
سینا با تعجب پرسید: «آن باغ کجاست؟»
پدر گفت: «همان باغی که خداوند در قرآن به انسان های نیکوکار وعده داده است.»

نام آن باغ همیشه بهار، بهشت است. اهل بهشت، هر چه را که دوست داشته باشند، در دسترس آن ها قرار می گیرد.

در آنجا هیچ غصه و ناراحتی ندارند. هیچ کس پیر و بیمار نمی شود. آدم ها به همه ی آرزوهای خود می رسند و برای همیشه آنجا می مانند.»

سینا گفت: «خوش به حال کسانی که به بهشت می روند!»

پدر گفت: «و بد به حال کسانی که به جای آنکه راه بهشت را در پیش بگیرند، ...»

و بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و به کسانی که به خدا ایمان می‌آورند و کارهای نیک انجام می‌دهند، بشارت بده که برای آن‌ها در بهشت، باغ‌هایی است که در آن‌ها رودهایی جاری است.

سوره ی بقره، آیه ی ۲۵

دوست دارم به باغ همیشه بهار بروم. پس سعی می‌کنم:

- در کارهایم حق دیگران را ضایع نکنم.
- در ارتباط با دیگران مراقب رفتار و گفتار باشم.
- در برابر خدا دروغ نگویم ، تهمت نزنم.

کامل کنید

با این قطره‌ها، یک آیه از سوره‌ی حمد و ترجمه‌اش را کامل کنید.

«مالِکِ یوم الدین» یعنی «(خدا) صاحب روز قیامت است.»



وقتی می‌خواهیم نماز بخوانیم و با خدا گفت و گو کنیم پاک و آراسته باشیم ، چون خدا پاکیزگی را دوست دارد .

همیشه به یاد نعمت‌هایی که خداوند به ما داده ، باشیم و از آن‌ها درست استفاده کنیم .

بگردد و پیدا کن

با پدر و مادر خود با نیکی سخن بگوییم و با احترام با آن‌ها رفتار کنیم .

گفت و گو با خدا

بوی بهشت

آستین‌های خالی

یک بار دیگر به این درس‌ها مراجعه کنید. در هر درس چه چیزهایی یاد گرفتیم که به ما کمک می‌کند به باغ همیشه بهار برسیم؟